



پژوهش ایزوتسو؛ مهندسی ساختمان معنایی قرآن

ایزوتسو نقش پر رنگی در کاربست رویکرد معناشناختی در حوزه مطالعات قرآنی داشته است. از پروژه فکری وی به مهندسی ساختمان معنایی قرآن یاد می‌شود.

ایزوتسو نقش پر رنگی در کاربست رویکرد معناشناختی در حوزه مطالعات قرآنی داشته است. از پروژه فکری وی به مهندسی ساختمان معنایی قرآن یاد می‌شود.

به گزارش خبرگزاری بین‌المللی قرآن (ایکنا)، معنی‌شناسی که از زیر شاخه‌های زبان‌شناسی است یکی از روش‌های جدید در مطالعات قرآنی است. توشیهیکو ایزوتسو پژوهشگر فقید ژاپنی نقشی پررنگ در کاربست این رویکرد در حوزه مطالعات معنایی داشت. دو کتاب از پژوهش‌های قرآنی وی با نام‌های «خدا، انسان و قرآن» و نیز «مفاهیم اخلاقی-دینی در قرآن مجید» به فارسی منتشر شده است و بسیاری از اندیشمندان در توصیف فعالیت‌های او به تحقیق پرداخته‌اند. در این گزارش تحلیلی ضمن مرور روش و فرازهای ایزوتسو، نگاهی انتقادی به وی انجام شده است.

ایزوتسو چه می‌گوید؟

ایزوتسو در کتاب «خدا و انسان در قرآن» می‌گوید می‌توانست عنوان کتاب «خدا و انسان در قرآن» را «معنی‌شناسی قرآن» نام‌گذاری کند. (۱) از نظر وی «معنی‌شناسی تحقیق و مطالعه‌ای تحلیلی درباره کلمات کلیدی زبان است، به منظور آن که سرانجام جهان‌بینی قومی شناخته شود که آن زبان را نه تنها همچون وسیله سخن گفتن و اندیشیدن، بلکه مهم‌تر از آن همچون وسیله‌ای برای تصور کردن و تفسیر کردن جهانی که آن قوم را احاطه کرده است به کار می‌برد. ... معنی‌شناسی یعنی علم تحقیق در ماهیت و ساخت جهان‌بینی یک ملت در فلان دوره خاص از تاریخ آن خواهد بود، که به وسیله تحلیل روش‌شناختی مفاهیم و تصورات فرهنگی عمده‌ای که آن ملت برای خود فراهم آورده و در کلمات کلیدی زبان آن ملت حالت تبلور پیدا کرده بوده است، صورت می‌گیرد». (۲) از این رو روش او علاوه بر خصوصیت معنی‌شناختی رویکردی تاریخی نیز دارد. او در خصوص معنی‌شناسی قرآنی با توجه به تعریفی که از جزء اول این ترکیب ارائه می‌دهد، می‌گوید: هدف ما عبارت از آن است که با تحقیق تحلیلی و روش‌شناختی در مفاهیم عمده، یعنی آن مفاهیم و تصورات که نقشی قطعی در تشکیل نگرش قرآنی نسبت به جهان دارند، این شکل از وجودشناسی زنده بالنده را استخراج کنیم. (۳)

ایزوتسو معتقد است که کلماتی که در قرآن استفاده شده است سابقه داشته‌اند اما «در آن هنگام که وحی اسلامی به استفاده از این کلمات و به کار بردن آنها آغاز کرد، نظام ساختمانی مجموعی و طرز استعمال کلی آنها در متن قرآن بود که در نظر مشرکان مکه شگفت‌انگیز و ناآشنا و بنابر آن غیر قابل قبول می‌نمود، و خود کلمات و مفاهیم و تصورات منفرد چنین نبود» (۴) به تعبیر ایزوتسو کلمات و مفاهیم اسلامی از زمین دیگری کنده شده و در بستری جدید کاشته شده‌اند. وی آیه ۴۰ سوره یوسف را به عنوان شاهد مثال می‌آورد. (۵)

ایزوتسو مفاهیمی چون الله، فرشته، جن و شیطان را در ادبیات عرب پیشااسلام رصد می‌کند، اما می‌گوید این‌ها بازسازی مفهومی در جهان‌بینی یکتاپرستانه اسلام شده‌اند. وی اگر چه از متن واقعیت تاریخی در عرب جاهلی آغاز کرده است اما کوشیده تا در آن وضعیت نماد و تکامل و تغییری را که اسلام به وجود آورده بر ذهن و زبان آن روز را نشان دهد. ایزوتسو در این باره می‌گوید: باید توجه داشته باشیم که معنای اساسی کلمات تغییری پیدا نکرد؛ آنچه عملاً تغییر کرد نقشه کلی و نظام عمومی بود، و در نظام جدید هر یک از آنها در وضع تازه‌ای قرار گرفت». (۶) (ص ۱۲) ایزوتسو بر آن است که مفاهیم و کلمات قرآن را باید در یک چارچوب تصویری در نظر گرفت.

نظام مهندسی معنای قرآن

حجت‌الاسلام و المسلمین سید حمید جزایری، مدیر گروه قرآن و علوم جامعه المصطفی، در گفت‌وگو با ایکنا در خصوص روش کار ایزوتسو می‌گوید: بحثی فراتر از ایزوتسو وجود دارد و آن ارتباط معنایی قرآن و داشتن یک نظام مهندسی منطقی حاکم بر ساختار قرآن است و یکی از ابداعات ایزوتسو در نظام مهندسی قرآن توجه ویژه داشت و در مطالعات شرق‌شناسی خود تاکیدش بر نحوه استخراج کلیدواژه‌های اساسی در متن قرآن بود.

از نظر ایزوتسو، کلمات قرآن علاوه بر معنایی که از خود دارند و او آن را معنای اساسی می‌نامد، معنایی نسبی نیز پیدا می‌کنند که دلالت تضمینی بر معنای خاص و اسلامی دارد (۷) از نظر این زبان‌شناس ژاپنی در جهان‌بینی قرآنی است که کلمات از معنای اساسی خود فاصله گرفته و معنای نسبی و جدید یافته‌اند. او در این خصوص «کفر» را مثال می‌زند که از معنای اساسی ناسپاسی به بی‌ایمانی به خدا منحرف شده است (۱۷-۱۹) وی بر آن است که می‌توان با مراجعه به شعر زمان عرب به معنای اساسی نزدیک شد (۸) از نظر ایزوتسو «معنی «نسبی» یک کلمه ... چیزی جز تجلی عینی یا تبلور روح فرهنگ و بازتاب درست تمایل کلی روانشناختی یا به صورت دیگر مردمی نیست که کلمه را همچون بخشی از واژگان خود به کار می‌برند» (۹). از این رو دانش معنی‌شناسی از نظر وی نوعی دانش فرهنگی و فراتر از ریشه‌شناسی است، زیرا واژگان از معنای اساسی خود منحرف شده و معنای نسبی یافته‌اند که باید آن را در فرهنگ زمان جست.

ارتباط معنی‌شناسی و جهان‌بینی

ایزوتسو از تعبیر «جهان‌بینی معنی‌شناختی» یاد می‌کند تا بگوید واژگان در بستر یک جهان‌بینی معنی‌دار می‌شوند. وی بر آن است که برخی از کلمات قرآن مانند «الله، اسلام، ایمان، کفر، نبی و رسول» نقش کلیدی در ساختن جهان‌بینی قرآنی دارند (۱۰) هر یک از این کلمات میدانی معنی‌شناختی تشکیل می‌دهند که در آن الگویی معنی‌دار مرتب شده و دستگاهی از تصویرها و مفاهیم مرتبط نمایش داده می‌شود، «میدان معنی‌شناختی، بدین معنی، دستگاهی در درون دستگاهی دیگر یعنی یک زیردستگاه یا دستگاه جزء است. (۱۱)

در هر یک از میدان‌های معنی‌شناختی کلمه‌ای قانونی وجود دارد که در حول آن دو کلماتی دیگر در دو طیف مثبت و منفی قرار گرفته‌اند. برای مثال حول کلمه کلیدی ایمان، کلمات مثبت مانند تصدیق، اسلام و شکر و غیره و نیز کلمات منفی تکذیب، عصیان، کفر و ... قرار می‌گیرند. کلمات و نیز دایره‌هایی که ایجاد می‌کنند در اشتراک با دوایر قرار دارند و برای مثال ضلال که حول کلمه کلیدی کفر است یکی از معانی مرتبط با صراط نیز می‌باشد و «در نتیجه، واژگان به عنوان حاصل جمع کلی همه میدان‌های معنی‌شناختی، همچون شبکه‌ای پیچیده و وسیع از ارتباطات چند جانبه میان کلمات به نظر می‌رسد که متناظر با یک کل سازمان‌دار فراهم آمده از تصویری است که با یکدیگر از هزاران راه ارتباط و وابستگی دارند». (۱۲)

مهندسی ساختمان معنایی قرآن

به نظر ایزوتسو کلمات قرآن با تصویری که محصول ارتباط میان کل واژگان قرآن و دوایر معنایی وجود دارد ارتباط دارد. از این رو «یک شبکه پیچیده واحد از پیوستگی‌ها و ارتباط‌ها، به اعتبار سیمای زبان‌شناختی آن، یک «واژگان» است، و به اعتبار سیمای تصویری یک «جهان‌بینی» و در این صورت قرآن در عین آن‌که مجموعه‌ای از کلمات است به همراه خود نوعی جهان‌بینی نیز خواهد داشت. از نظر وی هدف معنی‌شناسی قرآن این است که «روح ساختمانی فرمانروایی بر طبیعت و ماهیت کل نظام قرآن» (۱۳) را در نظر گرفته و تلاش کند تا روش کار را نیز بشناسد.

ایزوتسو در کتاب «خدا و انسان در قرآن» تلاش کرده است تا با بررسی معنی‌شناختی اصطلاحات کلیدی قرآن در تاریخ، به ساخت اساسی جهان‌بینی قرآنی برسد و در ادامه بکوشد معنای الله را تشریح کرده و به رابطه وجودشناختی میان خدا و انسان بپردازد. در همین کتاب وی به رابطه تبلیغی یا ارتباطی میان خدا و انسان نیز پرداخته است و در ادامه کتاب به نسبت میان جاهلیت و اسلام پرداخته که در واقع بررسی ارتباط میان خداوندگاری و بندگی، خدا همچون خداوندگار و انسان همچون بنده اوست. (۱۴) آخرین بخش کتاب رابطه اخلاقی میان انسان و خدا است. وی تلاش کرده است بر اساس آیات قرآن تصویری از مفهوم خداوند در قرآن ارائه بدهد. وی می‌نویسد: «خدا هستی را به آدمی همچون هدیه‌ای رایگان ارزانی داشته است. به عبارت دیگر، میان خدا و انسان یک رابطه اساسی آفریدگار و آفریده وجود دارد که خدا در آن دارای نقش بخشنده هستی به آدمی است. او آفریننده انسان است و انسان چیزی جز آفریده او نیست. در واقع الله خالف و آفریدگار سراسر جهان از فرشتگان (زخرف، ۱۸/۱۹) و جنیان (الرحمان، ۱۴/۱۵) و آسمان‌ها و زمین (ابراهیم، ۲۲/۱۹) و خورشید و ماه و روز و شب (فصلت، آیه ۳۷ و غیره) و کوه‌ها و رودها (رعد آیه ۳ و غیره) و درختان و میوه‌ها و دانه‌ها و علف‌ها (الرحمان، آیه ۱۲-۱) و همه گونه جانوران است که «بعضی از آن‌ها بر روی شکم راه می‌روند و بعضی بر روی دو پا و بعضی بر چهار پا» (نور آیه ۴۴-۴۵) ...» (۱۵).

در ادامه یکی دیگر از تحلیل‌های ایزوتسو در خصوص معنای خدا برای آشنایی با رویکرد وی را ملاحظه می‌کنید:

«به گفته قرآن خدا عادل است و هرگز به احدی ظلم نمی‌کند. دیگر از دهر و کارهای اسرارآمیز دهری خبری نیست. خود وجود چیزی همچون دهر آشکارا انکار می‌شود و عنوان ساخته و پرداخته بی‌پایه تخیل پیدا می‌کند. سراسر جریان زندگی آدمی اکنون در زیر نظارت مطلق اراده خدا است». (۱۶) «بر طبق قرآن، سرچشمه این علم فهم انسانی در قابلیت روانشناختی است که قلب یا «دل» نام دارد. همه فعالیت‌های عقلی و ذهنی ذکر شده چیزی جز تجلی ملموس این قابلیت یا اصل اساسی عقل و ذهنی نیست. قلب همان چیزی است که به آدمی شایستگی «فهمیدن» آیات الهی را می‌بخشد و به همین جهت اگر این منبع اصلی فهم در بسته و مهر شده باشد و درست کار نکند، دیگر آدمی نمی‌تواند بفهمد». (۱۷)

ایزوتسو در کتاب دیگری با عنوان «مفاهیم اخلاقی-دینی در قرآن مجید» تلاشی دیگر را در بررسی قرآن با رویکرد معنی‌شناسانه انجام می‌دهد. این کتاب دارای سه بخش است، «اول ارائه اصول روش‌شناسی در تجزیه و تحلیل معنایی، دوم رابطه موجود میان قوانین اخلاقی قبایل عرب و قوانین اخلاقی اسلامی و سوم تجزیه و تحلیل مفاهیم عمده «اخلاقی-دینی» در قرآن. در سراسر کتاب کوشش شده که قرآن به زبان خود سخن گوید و مفاهیم خود را تفسیر و تعبیر کند. روش تحلیلی کتاب کلا بر داده‌های قرآنی متکی است». (۱۸) ایزوتسو در خصوص کفر، حوزه‌ای معنایی تشکیل داده و در این حوزه به کلماتی مانند «فاسق»، «فاجر»، «ظالم» و «معتدی» پرداخته است. وی همچنین در این کتاب به کلیدواژه‌های نفاق، مومن و خوب و بد،

پرداخته است.

ارزش کار ایزوتسو

مسلمانان با رویکرد ایزوتسو و کاریست معنی‌شناسی با این روش آشنا شدند. از جمله محمد نصرای، پژوهشگر گفتمان‌پژوهی، در گفت‌وگو با ایکنا در خصوص پروژه فکری ایزوتسو می‌گوید: ارزشمند بودن کارهای ایزوتسو برای ما به این خاطر است که نشان داده است که می‌توان با رویکرد معناشناسانه به سراغ قرآن رفت.

ارزش کار ایزوتسو در ارائه پیشنهادی برای روح معنایی قرآن است که می‌تواند مورد نقد قرار بگیرد اما چون یک سنگ بنا می‌تواند تقویت نیز بشود. جزایری، مدیر گروه علوم قرآن و حدیث جامعه‌المصطفی در این زمینه معتقد است: البته ایزوتسو نتوانست نظریه خود را در سراسر قرآن به کار بندد ولی به عنوان گامی ابتدایی تلاش موفقی را انجام داد.

جزایری در خصوص ارزش کار ایزوتسو معتقد است که او توانست زنجیره الفاظ مرتبط در قرآن را نشان دهد که اگر روی آن کار شود یکی از ابعاد اعجاز قرآن خواهد بود. وی تلاش کرده است کلیدواژه‌های اصلی قرآن، با محوریت توحید، معاد و حیات طیبه را استخراج کند که البته در کلام خود ایزوتسو به این صراحت مطرح نشده است. اما تکامل حرف او مهندسی معنایی قرآن بر اساس توحید، معاد و حیات طیبه است.

بررسی انتقادی رویکرد ایزوتسو

ایزوتسو در فعالیت خود به سنت ارجاع نمی‌دهد، به این معنا وی تلاش کرده است تا تنها به پژوهشی معناشناختی اکتفا کند و بخشی از عینیت که همان سنت است، رجوع نکند. بی‌تردید اگر او در بخش عهد جاهلی و شناخت آن به شاعران و سنت عربی رجوع می‌کند، می‌توانست در حوزه نزول به سنت نیز رجوع کند.

جزایری در این خصوص معتقد است که قرآن در عین حال که ثقل اکبر است و به تنهایی قابل درک و دریافت است و در این خصوص تردیدی نیست، اما در لایه‌هایی از فهم قرآنی ما نیاز به شارحانی راستین داریم که معصومین(ع) هستند و البته خود این بحث دشواری است، یعنی ارتباط بین قرآن و سنت که هم استقلال قرآن رعایت شود که قرآن نور است و در این مسئله نیاز امری دیگر ندارد و از سوی دیگر آیات قرآنی که پیامبر را مبین و مفسر قرآن معرفی شده است، ارتباط برقرار شود.

مریم قبادی، عضو هیئت عمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی در گفت‌وگو با ایکنا و در این زمینه اعتقاد دیگری دارد و معتقد است که عدم پرداختن ایزوتسو به سنت، نقد واردی بر آثار او نیست. وی می‌گوید: روش ایزوتسو با سنت کاری ندارد و با الگوی دیگری کار می‌کند که به روش سنتی معهود ما ارتباط ندارد، از این رو نمی‌توان از این منظر او را نقد کرد. ایزوتسو ضمن این که برای تایید نظرات خود ارجاعاتی به سنت داده است، اما اگر این کار را هم نکرده باشد، کاری ناقص نیست و کارش علمی و ارزشمند با روش‌های معنایی است و توانسته است از مسیری علمی و شناخته شده به حقیقت رسیده و توانسته میدان‌های معنایی قرآنی را کشف کند.

جزایری در پاسخ به این پرسش که چه انتقادی را به ایزوتسو وارد می‌داند، معتقد است که از مهم‌ترین نقدهای وارد بر وی عدم آگاهی و توجه کامل به مبانی و زیرساخت‌های تفسیر، فهم و استخراج معارف قرآنی و همچنین نگاه به مباحث قرآنی است و دومین نقد نگاه یک بعدی بودن پژوهش او است و این که همه واژگان قرآنی به یک صورت در کنار هم قرار گرفته‌اند.

منابع

۱. ایزوتسو، توشیهیکو، خدا و انسان در قرآن، احمد آرام، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۸۱، تهران، ص ۱

۲. همان، ص ۴

۳. همان

۴. همان، ص ۶

۵. همان، ص ۹

۶. همان، ص ۱۲

۷. همان، ص ۱۵

۸. همان، ص ۲۸

۹. همان، ص ۲۱

۱۰. همان، ص ۲۲

۱۱. همان، ص ۲۵

۱۲. همان، ص ۳۴

۱۳. همان، ص ۳۶

۱۴. همان، ۲۵۴

۱۵. همان، ۱۵۸

۱۶. همان، ۱۶۴

۱۷. همان، ۱۷۵

۱۸. ایزوتسو، توشیهیکو، مفاهیم اخلاقی-دینی در قرآن مجید، فریدون بدره‌ای، ۱۳۹۴، تهران، ص بیست و چهار

